

## بررسی شأن شناختی زبان دین در آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» با تأکید بر آراء علامه طباطبایی

آرزو زارعزاده<sup>۱</sup>

بابک عباسی<sup>۲</sup>

### چکیده

در میان آیات حج، آیه ۹۷ سوره آل عمران حاوی نکات و معارف کلیدی درباره حج است. قسمتی از آیه به مسئله امنیت حجاج اشاره دارد: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا». با رویکرد شناختی به زبان دین، هرکس وارد حرم امن الاهی شود، در امنیت کامل قرار دارد. اما در نگرش ناشناختی، واقع‌نمایی آیات، اهمیت چندانی ندارد؛ بلکه به دنبال ترغیب مخاطب جهت انجام عملی خاص مثل حج است. یکی از ضروریات دین‌داری فهم مراد متکلم و وحی است. این پژوهش با هدف دست‌یابی به فهم دقیق‌تر از محتوای آیه، واقع‌نمایی امنیت حجاج را از لحاظ تشریحی و تکوینی به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار می‌دهد و به این سوال پاسخ می‌گوید که با تأکید بر آراء علامه طباطبایی، آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» دارای شأن شناختی و مطابق واقع است یا دارای شئونی ناشناختی است؟ اجماع مفسران از جمله علامه طباطبایی بر این قرار دارد که آیه بیانگر حکمی شرعی است و برخی نیز به تکوینی بودن امنیت دنیایی حرم اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد آیه مورد نظر، نه تنها بر حکم تشریحی امنیت حجاج تأکید دارد؛ بلکه به امنیت تکوینی به صورت اخروی اشاره دارد که سازگار با روایات معصومین علیهم‌السلام است.

**واژه‌های کلیدی:** زبان دین، حج، امنیت تشریحی، امنیت تکوینی، علامه طباطبایی.

---

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دین و مسائل جدید کلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Email: Rarezu@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه فلسفه، تهران، ایران.

Email: Babbaasi@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

## مقدمه

### ۱. بیان مسئله

زبان دین به دو شکل کلی در جهان ظهور می‌کند: الف) زبان وحی. ب) زبان بشری. وقتی متکلم وحی با انسان سخن می‌گوید با الفاظی آن را بیان می‌کند که همان الفاظ در زندگی مادی و عرفی انسان استعمال می‌شود. انسان هم وقتی درباره خالق هستی و عالم ملکوت لب به سخن می‌گشاید از واژگان و عباراتی استفاده می‌کند که بین خدا و دیگر مخلوقات مشترک است. برای یک دین دار مهم است که بداند زبانی که با آن مورد خطاب قرار گرفته است چه ویژگی‌هایی دارد؛ لذا نقش زبان دین این است که محتوای این معارف الهی را بیان کند و آن را برای داوری و نقادی شکاکان و منکران ارائه دهد (دنوان، ۱۳۸۳ش: ص ۱۱۳). از این رو فهم زبان دین برای دین‌داران و دین‌شناسان امری حیاتی و مهم محسوب می‌شود.

از منظر دانشمندان معتقد به شناختی بودن زبان دین، گزاره‌های دینی، معنادار، واقع‌نما و معرفت‌بخش هستند (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۶ش: ص ۸۳)؛ بنابراین زبان شناختی به توصیف واقعیت می‌پردازد. هم‌چنین زبان شناختی را می‌توان متصف به صدق و کذب کرد. اما مقصود از ناشناختی بودن زبان دین، نظریه فیلسوفان معاصر است که گزاره‌های دینی را به گونه‌ای بدون پشتوانه واقعی تلقی می‌کنند. محتوای زبان غیر شناختی حاکی از امور واقعی نیست؛ بلکه هدف آن ایجاد انگیزه و تشویق و ترغیب مخاطب به انجام عملی خاص یا صرفاً بیان احساسات و عواطف است. هرچند زبان غیر شناختی دارای معناست اما محتوای آن غیر از شناخت عالم واقع است؛ بنابراین مشمول احکام منطقی نمی‌شود. بر این اساس زبان ناشناختی متصف به صدق و کذب هم نمی‌شود (هیگ، ۱۳۹۰ش: ص ۱۹۸). طرفداران نظریه شناختی بودن زبان دین در دسته واقع‌گرایان قرار دارند. واقع‌نمایی گزاره‌های دینی عبارت است از این نظریه که متعلقات باورهای دینی، مستقل از ادراکات و تجربیات ما، وجود حقیقی دارند (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۶ش: ص ۸۳). در مقابل ناواقع‌گرایان معتقد هستند که زبان دین، شناختی و واقع‌نما نیست. بر اساس این نظریه، زبان دین دارای یک ارزش ذاتی برگرفته از حقایق عینی و خارجی نیست؛ بلکه امری سودمند است و جنبه‌های نظری آن مهم نیست؛ زیرا جنبه‌های عملی و کارکردی آن ارزش دارد. بنابراین حقایق دینی مستقل از ذهن انسان قلمداد نمی‌شود؛ هم‌چنین زبان دین نه تنها حاکی از حقایق متعالی نیست؛ بلکه تنها بیانگر عواطف و بینش‌های آرمانی و اخلاقی است (هیگ، ۱۳۹۰ش: ص ۱۹۸). در حالی که از منظر واقع‌گرایان محتوای دین از واقعیات هستی‌شناختی است که مستقل از ذهن بشر وجود دارد (سعیدی‌روشن، ۱۳۹۶ش: ص ۸۳).

عمده متفکران مسلمان این نظریه را پذیرفته‌اند که گزاره‌های دینی عینی و حقیقی هستند و به توصیف واقعیت می‌پردازند. در نتیجه این نوع از گزاره‌ها، معنادار، ناظر به واقع و هم‌چنین صدق‌پذیر یا کذب‌پذیر هستند. خداوند متعال به نحو معنادار با تمام مردم جهان سخن می‌گوید (طباطبایی، ۱۳۶۲ش: ص ۶۳). قرآن خود را با صفاتی مانند نور، هادی و بیان توصیف می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۷ش: ص ۷۷) که این اوصاف با مبهم‌بودن یا کاذب‌بودن آیات سازش ندارد؛ بنابراین معنادار و مطابق با واقع است. در واقع، زبان تجلی فکر، خرد و ظهور سخن و اندیشه محسوب می‌شود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۹ش: ص ۱). زبان مانند آئینه، شخصیت تمام نمای گوینده را نمایان می‌کند. با این وصف، خدا و زبانش نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ لذا جمال و جلال الهی با زبان قرآن نمایان می‌شوند (خوش‌منش، ۱۳۹۸ش: ص ۶۴). بنابراین آیاتی که از هر جهت بیانگر جمال و جلال خداست ممکن نیست از امری سخن گوید که با واقعیت مطابق نباشد.

### ۲. پیشینه پژوهش

کتاب‌های زیادی پیرامون مباحث مربوط به زبان دین نگارش شده است (استیور، ۱۳۹۳ش؛ علی‌زمانی، ۱۳۷۵ش؛ سعیدی‌روشن، ۱۳۹۱ش؛ ساجدی ۱۳۸۳ش)؛ هم‌چنین تعدادی از اندیشمندان به بحث و بررسی پیرامون زبان دین در مقالات پرداخته‌اند (اشرفی، ۱۳۹۶ش؛ سعیدی‌روشن، ۱۳۹۶ش؛ شهیدی، ۱۳۹۴ش). با توجه به پیشینه پژوهش، وجه نوین بودن تحقیق پیش رو این است که فرای مباحث نظری درباره زبان دین، به صورت کاربردی به کاوش پیرامون ماهیت واقع‌نمایی یکی از آیات مهم در زمینه حج می‌پردازد و واقع‌نمایی امنیت حجاج را با تأکید بر آراء علامه طباطبایی مورد بررسی قرار می‌دهد. در پایان برای دست‌یابی به فهمی دقیق‌تر از معارف نهفته در بطن آیه مورد نظر، آراء مفسرین با سخنان معصومین علیهم‌السلام درباره «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### ۳. ضرورت و روش پژوهش

فهم دین وابسته به یک سنت عقلی، فلسفی و معرفت‌شناختی است. در این سنت، دین‌داران تلقی و انتظارات خاصی از دین و گزاره‌های دینی دارند. در این راستا، منظومه معرفتی دین‌داران در مواجهه با گزاره‌های دینی شکل می‌گیرد. نوع مواجهه انسان با متون دینی، با اعتقاد به شأن شناختی یا ناشناختی زبان دین متفاوت است و باعث ایجاد رویکردهای متفاوت در دین‌داران می‌شود به نحوی که نه تنها بر اعتقادات بلکه بر اعمال انسان نیز تأثیرگذار است. بنابراین برای یک دین‌دار مهم و ضروری است که بداند آیات قرآن کریم دارای شأن شناختی است یا خیر. از این‌رو پژوهش حاضر با همین رویکرد به بررسی یکی از آیات مهم در زمینه حج پرداخته است.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به صورت مراجعه کتابخانه‌ای و هم‌چنین استفاده از نرم افزارهای جامع‌التفاسیر نور و مجموعه آثار علامه طباطبایی نگارش شده است.

## یافته‌ها و بحث

### ۱. اهمیت امنیت حجاج

با توجه به نظر مفسران، آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» به طور قطع حاکی از یک حکم تشریحی است. به عبارت دیگر تمام مسلمانان موظف هستند به امنیت حجاج در محدوده حرم در شهر مکه احترام گذارند (طیب، ۱۳۷۸ش: ج ۲، ص ۵۳۷) و این امنیت را به مخاطره نیندازند. از منظر دیگر و با اعتقاد به شأن شناختی گزاره‌های دینی به نظر می‌رسد آیه باید وجوه دیگری هم داشته باشد؛ یعنی علاوه بر بیان حکمی تشریحی اخبار از حقیقتی عینی هم باشد. بر این اساس آیه مورد نظر از وجوه تشریحی و تکوینی و تطابق آن با واقع بررسی می‌شود. در تقسیم گزاره‌های دینی، گزاره‌های اعتقادی، استدلالی و تاریخی، گزاره‌های اخباری هستند که ناظر به امور واقع تلقی می‌شوند. گزاره‌های تشریحی و اخلاقی، گزاره‌های انشایی هستند و اعتباری محسوب می‌شوند (جوادی‌آملی ۱۳۹۲ش: ص ۹۳). امور اعتباری و قراردادی در مقابل امور واقعی و حقیقی قرار دارد. گرچه مباحث مطرح شده در احکام و اخلاق صرف اعتبار ذهن است اما پشتوانه حقیقی دارد (طباطبایی، ۱۴۲۳ق: ص ۱۰).

بر اساس نظریه شناختی بودن زبان دین، این آیه باید مطابق با واقع باشد. بنابراین برخی از مفسرین بر امنیت تکوینی این مکان به صورت ظاهری هم تاکید کرده‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد با اتفاقات تلخ و ناگواری که در طول تاریخ در مکه رخ داد، واقع‌نمایی آیه مورد بحث از وجه تکوینی تحت تأثیر قرار دارد. ظاهراً به نظر می‌رسد آیه واقع‌نما نباشد؛ اما وقتی آراء مفسرین با روایات معصومین مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، واقع‌نمایی آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» ظهور می‌کند. با همین مبنا به بررسی آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» در سوره آل عمران می‌پردازیم تا نوع معناداری و واقع‌نمایی این آیه برای ما روشن شود. مسئله ظاهری در آیه مورد بحث این است که به نظر می‌رسد هرکس وارد بیت‌الله الحرام شود، باید از هر جهت در امنیت باشد؛ در حالی که در تاریخ مکه نمونه‌هایی وجود دارد که این مکان مقدس نیز دست‌خوش درگیری شده است و عده‌ای نیز در این میان جان خود را از دست داده‌اند [۱]. به عبارت دیگر ظاهراً معنای این گزاره دینی با واقع‌نمایی مسائل پیرامون آن فاصله دارد.

واژه «آمینا» از ریشه اَمَنَ به معنای امنیت، آرامش خاطر و از بین رفتن ترس است (راغب، ۱۴۱۲ق:

ص ۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳، ص ۲۱). بنابراین آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، بر امنیت مکانی مقدس اشاره دارد. منظور از مکان امن، محدوده حرم در شهر مکه معظمه است که بیت‌الله الحرام در قلب آن جای دارد (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۸، ص ۳۰۲؛ طیب، ۱۳۷۸ش: ج ۲، ص ۵۳۷). شهر مکه و محدوده حرم به دعای حضرت ابراهیم علیه السلام سرزمین امن شد و از برکتی خاص برخوردار گردید (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش - ب: ص ۵۷). به غیر از این آیه شریفه، آیات دیگری هم به امنیت این مکان اشاره دارند («وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» (بقره/۱۲۵)؛ «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا» (عنکبوت/۶۷)؛ «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (ابراهیم/۳۵) و «أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش/۴)). درباره امنیت حجاج در این مکان به گونه‌ای در قرآن تأکید شده است که واقع‌نمایی آن، امری دور از ذهن تلقی نمی‌شود. امنیت در حج از نشانه‌های روشن خداوند است. در آیه ۹۷ سوره آل عمران، خداوند متعال با آوردن عبارت «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ» مزایای حرم امن الاهی را معرفی می‌کند و ویژگی‌هایی از آن را بیان می‌کند تا شرافت این مکان نسبت به سایر مکان‌ها مشخص شود. بنابراین شایسته است که خداوند امتیازاتی را بیان کند که هیچ ابهامی باقی نگذارد؛ لذا عباراتی مانند: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ...» و سایر عبارات تا آخر آیه، همه مصداقی برای «آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ» است که در ابتدای آیه آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۵۴۵). بنابراین بر مبنای آیه مورد بحث، نشانه‌های روشن خداوند عبارت‌اند از:

الف) مقام ابراهیم؛

ب) امنیت حجاج در داخل بیت؛

ج) وجوب فریضه حج بر مردم مستطیع.

این سه مورد از آیات بینات هستند و هر يك به غرضی خاص بیان شده‌اند. غرض اول، اخبار از این است که مقام ابراهیم در این مکان است. غرض دوم بیان این مطلب که هر کس وارد این مکان شود از امنیت برخوردار است و غرض سوم، انشاء حکم و وجوب حج است. بنابراین هر سه مورد بیانگر آیات الاهی است. جای هیچ تردیدی نیست که هر يك از این امور، نشانه روشنی است که با وقوع خود، مقام خداوند را بیاد می‌آورند و بر وجود یا آثار خدای تعالی دلالت دارند؛ زیرا معنای واژه «آیت» چیزی جز علامت و راهنما به چیز دیگر نیست (همان). علامه طباطبایی در ضمن توضیح آیه به إشکال برخی مفسرین اشاره می‌کند. برخی از مفسرین به اشتباه تصور کردند که امنیت خانه خدا چون از مصادیق معجزه محسوب نمی‌شود، در نتیجه آیت الاهی نیست و به غرض دیگری ذکر شده است. در پاسخ علامه طباطبایی این‌گونه احتجاج می‌کند که، وقتی این سخن درست است که لفظ «آیات» تنها به معنای آیت‌های خارق‌العاده باشد، ولی هیچ دلیلی بر

این معنا وجود ندارد (همان، ص ۵۴۹). بنابراین مسئله امنیت حجاج به قدری مهم است که یکی از نشانه‌های روشن خداوند محسوب می‌شود.

## ۲. تشریحی یا تکوینی بودن آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»

منظور از تکوینی بودن امنیت در آیه، این است که حرم الاهی دارای خاصیتی باشد که امنیت حجاج در آن تضمین شده باشد و منظور از حکم تشریحی دستوری الاهی است که همگان را ملزم به برقراری امنیت در این مکان می‌کند. مرحوم طبرسی در کنار تأکید بر احکام تشریحی به امنیت تکوینی بیت اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که هر جباری قصد کند این بیت را ویران کند و مورد تجاوز قرار دهد، هلاک می‌شود؛ چنان‌که اصحاب فیل هلاک شدند. هم‌چنین ایشان، انس پرنندگان با مردم را هم نمونه‌ای از امنیت تکوینی بیت تلقی کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ج ۲، ص ۷۹۸).

علامه طباطبایی درباره این آیه می‌گوید: «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» در صدد بیان حکم تشریحی است نه اخبار از یک خاصیت تکوینی (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۳، ص ۵۴۹). ایشان درباره تکوینی نبودن آیه مورد نظر این‌گونه توضیح می‌دهد: «این‌که شاید بعضی احتمال دهند که مراد از آیه مورد بحث این باشد که به عنوان خبر غیبی بفرماید: فتنه‌ها و حوادث هولناک و سالب امنیت، در این خانه رخ نمی‌دهد و در هر جای دنیا هم حادثه‌ای پیش آید، دامنه‌اش بدان جا کشیده نمی‌شود، جواب‌گویی جنگ‌ها، کشتارها و ناامنی‌هایی است که در طول تاریخ، در این مکان مقدس پیش آمده است» (همان). علامه طباطبایی در خصوص دلالت واژه «امنیت» در این آیه می‌گوید: «پیش از این دلالت ندارد که امنیت در این مکان استقرار و استمرار می‌یابد، از این جهت که مردم این مکان را مقدس و واجب‌الاحترام می‌دانند؛ چون وجوب تعظیم آن در شریعت ابراهیم ثابت شده و شریعت ابراهیم هم در آخر به تشریح خدا منتهی می‌شود نه به تکوین او» (همان). علامه در تفسیر آیاتی مانند «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (ابراهیم/ ۳۵) و «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (بقره/ ۱۲۶) که به دعای حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره دارد می‌گوید: «از خدای تعالی درخواست می‌کند که مکه را بلد امن کند و خدای تعالی به زبان تشریح، دعایش را مستجاب می‌کند، و همواره دل‌های بشر را به قبول این امنیت سوق می‌دهد» (همان). بنابراین تأکید علامه طباطبایی بر تشریحی بودن آیه «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» است و به دلیل وقوع اتفاقات ناگوار در این مکان مقدس، امنیت تکوینی را نمی‌پذیرد (همان).

برخی از مفسرین مانند آیت‌الله مکارم شیرازی ضمن بیان قطعیت در تشریحی بودن این آیه، معتقد هستند که در دایره تکوین نیز، این مکان مقدس از امنیت برخوردار است. زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از اتمام بنای کعبه، امنیت این مکان را از پروردگار قادر درخواست کرده بود

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا (ابراهیم/۳۵). خداوند متعال نیز دعای پیامبرش را اجابت کرد و بیت الله الحرام را امن قرار داد تا هم مایه آرامش روح و امنیت اجتماع مردمی باشد و هم مردم از این امنیت الهام بگیرند و به قوانین الهی پیرامون برقراری امنیت در این مکان مقدس احترام بگذارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۳، ص ۱۶). منظور این است که معنی ندارد بپذیریم امنیت در عبارت «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» ممکن است خبر از خاصیتی تکوینی باشد. به نظر می‌رسد آیت الله مکارم شیرازی به آیه مورد بحث به سان گزاره‌ای اخباری نگریسته است. هرچند علامه طباطبایی بر تشریحی بودن این آیه تأکید دارد، اما معتقد است دو جمله مربوط به مقام ابراهیم و امنیت در بیت الله الحرام، گزاره‌هایی انشایی هستند که به جای دو جمله خبری در آیه واقع شده‌اند. از منظر علامه طباطبایی این مسئله از عجایب اسلوب قرآن است. یعنی خداوند متعال کلامی را که به منظور غرضی آورده، در غرض دیگر نیز به کار گرفته است تا مخاطب در مواجهه با این کلام، آن غرض هم برای او تداعی کند و گوینده با کوتاه‌ترین کلام هر دو مورد را استخدام کرده و هر دو جهت را حفظ نموده است (همان: ص ۵۴۶). اما در ادامه، علامه طباطبایی مطالبی را عنوان می‌کند که بر مبنای آن، اخباری بودن آیه به طریق دیگری تفسیر می‌شود. در واقع منظور علامه طباطبایی درباره خبری بودن «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» این است که قبل از اسلام هم حکم امنیت این خانه تشریح شده بود. ایشان ضمن اشاره به دعای حضرت ابراهیم علیه السلام، این مطلب را عنوان می‌کند که قبل از بعثت هم عرب جاهلیت حق امنیت را برای بیت محفوظ می‌داشتند. البته لازم به ذکر است، این رسم از جعلیات خود عرب جاهلیت نبوده است، بلکه به زمان حضرت ابراهیم علیه السلام متصل می‌شده است (همان: ص ۵۴۹).

در میان مفسران معاصر دیگر، آیت الله جوادی آملی هم معتقد به امنیت تکوینی این مکان است. بر این اساس، خداوند از این بیت صیانت کرده و آن را رفیع نگاه می‌دارد؛ به طوری که احدی نمی‌تواند ملحدانه درباره کعبه که قبله و مطاف مسلمانان است، قصد سوء داشته باشد. بنابراین خداوند متعال در قالب فیضی ابتدایی، این مکان را امن قرار داد. امنیت حرم الهی امنیتی ویژه و مطلق است و اگر کسی قصد تعدی و تجاوز به این مأمن الهی کند، مشمول وحشت از ناحیه خداوند می‌شود. این آیه ناظر به امنیت تکوینی است؛ زیرا امنیت تشریحی تخلف‌پذیر است. البته ایشان به مسائل تشریحی نیز اشاره می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش - الف: ج ۶، ص ۵۴۳). از منظر ایشان، دعای حضرت ابراهیم علیه السلام که درخواست امنیت و بهره‌مندی اقتصادی برای سرزمین مکه بود، جامع بین تکوین و تشریح است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ص ۸۵). برخی نیز امنیت را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کرده‌اند. از منظر آیت الله صادقی تهرانی هر کس وارد این بیت شود از آرامشی

ناب برخوردار خواهد شد. قیام به انجام حج و حضور جمعی مردم در کانون حج باعث ایجاد امنیت، برکت و هدایت می‌شود؛ بنابراین حج یک وظیفه انسانی است که باعث نشاط عمومی می‌گردد. این امنیت که باعث آرامش خاطر مردم است در هیچ خانه دیگری یافت نمی‌شود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ص ۱۳۹). البته باید در نظر گرفت، معنای «امنیت» در «آرامش خاطر» هر چند صحیح به نظر می‌رسد، اما کامل نیست؛ زیرا اگر انسان امنیت جانی نداشته باشد، آرامش خاطر نیز نخواهد داشت. متفکر دیگری، در توضیح امن بودن خانه خدا به فلسفه و اهداف حج از منظر ابعاد اجتماعی، پرداخته است؛ به این طریق که هر جامعه‌ای به یک «خانه امن جهانی» احتیاج دارد تا در هنگام ترس و وحشت به آن مراجعه کند و موجبات ترس و وحشت را برطرف سازد (ضیاءآبادی، ۱۳۸۶ش: ص ۲۶). این سخن نیز درباره امن بودن حرم الاهی با اشکالی همراه است. آیا با این حجم از مشکلات جهان اسلام، مسلمانان توانسته‌اند با مراجعه به حرم الاهی فریاد استمداد سردهند و حقوق پایمال شده خود را باز پس گیرند؟ [۲]

بنابراین هم چنان این سؤال بر جای خود باقی است که اگر حرم الاهی از امنیت تکوینی برخوردار است، چرا دچار اتفاقات خونین شده است؟ در واقع همین امر سبب شده است که علامه طباطبایی به صراحت نظریه امنیت تکوینی این مکان را نپذیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۵۴۹).

### ۳. اعتباری بودن احکام تشریحی در زبان قرآن

علامه طباطبایی در تعریف دین می‌گوید: «دین، عقاید و سلسله دستوره‌های عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند. اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان‌ها در دو جهان می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۰ش: ص ۴). بنابراین دین دارای سه جنبه عقیدتی، عملی و اخلاقی است. احکام عملی و اخلاقی در دایره اعتباریات قرار دارند و زبان حاکم بر آن‌ها نیز زبانی اعتباری است. در واقع همه انشائیات از امور اعتباری هستند. وقتی انشاء که علت است، امری اعتباری محسوب می‌شود، منشاء که معلول است نیز باید اعتباری باشد. بر این اساس، احکام فقهی از امور اعتباری هستند (خمینی، ۱۳۶۷ش: ج ۲، ص ۱۳۶). احکام و مقررات دینی امری اعتباری‌اند؛ اما از پشتوانه‌هایی تکوینی برخوردارند و این انسان را به حقایق تکوینی و باطن امور مزبور می‌رسانند (جوادی آملی، ۱۳۹۸ش: ص ۲۷۶). امور اعتباری، مفاهیمی هستند که در خارج مصداق واقعی ندارند و عقل، چیزی را که مصداق واقعی این مفاهیم نیست؛ مصداق فرض می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۴ش: ج ۱، ص ۳۵). ذهن، حدّ امور حقیقیّه را به آن چه فاقد آن است، اعطاء می‌کند و معانی حقیقیّه را در



محلی که عادم آن است قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۸۸ش: ص ۵۱). در واقع مفاهیم اعتباری از روی مصادیق واقعی اخذ شده‌اند و به این اعتبار، با واقعیت در ارتباط است. امور اعتباری و قراردادی در مقابل امور واقعی و حقیقی قرار دارند. چیزی که صرف اعتبار ذهن است و مابازاء در خارج ندارد. از منظر برخی فیلسوفان، «قوانین فقهی و حقوقی که اموری اعتباری‌اند، هم مسبوق به حقایق تکوینی‌اند؛ زیرا علل احکام، مصالح و مفاسد واقعی است و هم ملحق به حقایق عینی‌اند؛ زیرا نتیجه اعمال به صورت برزخ، دوزخ و بهشت متمثل می‌شود که جزای آن نشئه، وفاق عمل این نشئه است و آن چه در معاد محقق می‌شود، حقایق عینی است» (جوادی آملی، ۱۳۹۸ش: ص ۲۷۶).

اگر در زبان دین، گزاره‌ای حاکی از اخبار است، چنان چه مطابق با واقعیتی عینی در عالم خارج باشد، شناختی محسوب می‌شود. اما درباره احکام شرعی که گزاره‌هایی انشایی هستند و احکام صدق مانند گزاره‌های اخباری بر آن‌ها حمل نمی‌شود، آیا می‌توانند در دایره گزاره‌های شناختی وارد شوند؟

با توجه به نظرات علامه طباطبایی پیرامون آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، این گزاره یک حکم تشریحی محسوب می‌شود و احکام تشریحی نیز از اعتباریات هستند. هرچند بین امور حقیقی و اعتباری تفاوت است، اما رابطه بین این دو بسیار قوی است. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر نظرات علامه طباطبایی درباره اعتباریات می‌گوید: «خدای سبحان از دین با عنوان فطرت یاد می‌کند (روم/۳۰)؛ یعنی رابطه بین اعتبار و تکوین، چنان قوی است که اگر آن تکوین بخواهد به صورت اعتبار درآید، همان مقررات دینی خواهد بود و اگر ممکن باشد که مقررات اعتباری به صورت تکوین درآید، همان فطرت و حقیقت انسانی خواهد بود. پس اعتبارات دینی زیربنایی تکوینی دارد (گذشته انسان) که با واقعیت‌های تکوینی آینده او در ارتباط است و انسان با این اعتباریات، پلی می‌سازد که به تکیه‌گاه تکوینی آن‌ها راه می‌یابد» (همان). در واقع قوانین بشری به تنهایی باعث رستگاری انسان نمی‌شود. این قوانین به تنهایی اموری اعتباری و قراردادی هستند که باید به منبع حقیقی متصل باشند. با این شرایط، تمام احکام و قوانین اعتباری فقهی و حقوقی با حقایق تکوینی رابطه مستقیم دارند. از نظر علامه طباطبایی ادراکات اعتباری نوعی تصدیق است نه تصور. به عبارت دیگر، این نوع از ادراکات، تصدیق‌های مجازی هستند؛ هرچند تأکید علامه طباطبایی بر این است که ادراکات اعتباری وهمی، بر امور حقیقی که همان تصورات حقیقی است، استوار است. ایشان در این رابطه می‌گوید: «هریک از معانی وهمی روی حقیقتی استوار است، یعنی هر حد وهمی را که به مصداقی می‌دهیم، مصداق دیگری نیز دارد که از آنجا گرفته

شده است. این معانی وهمی در عین حال که غیرواقعی هستند، آثار واقعیه دارند» (طباطبایی، ۱۳۶۴ش: ج ۲، ص ۱۵۹). بنابراین اعتباریات شبه قضیه محسوب نمی‌شوند؛ بلکه قضیه هستند. می‌توان به این نتیجه رسید که ادراکات اعتباری نزد علامه طباطبایی معنادار محسوب می‌شوند. استفاده از تعابیری مانند ادراکات و تصدیقات توسط علامه طباطبایی متضمن معنادار بودن اعتباریات است.

از منظر علامه طباطبایی، زبان دین حاکی از امور واقع است؛ حتی مواردی که به صورت زبان اعتباری در متن دین ارائه شده، از پشتوانه تکوینی و حقیقی برخوردار است. گزاره‌های موجود در متن دین، نه تنها از اموری که صرفاً دینی و اخروی هستند، حکایت می‌کند؛ بلکه مسائل مادی و یا هر چیزی که مربوط به زندگی عادی و دنیایی بشر است را پوشش می‌دهد. علامه طباطبایی در سراسر آثارش تأکید می‌کند که زندگی انسان محدود به عالم ماده نیست؛ بلکه زندگانی حقیقی، همان زندگانی آخرت است. با این وصف، مطالبی که به صورت گزاره‌های دینی در متون مقدس آمده است، اشاره به حقایقی ماوراء این جهان دارد. اما آنچه در ظرف این عالم برای سامان بخشیدن به زندگی دنیایی بیان شده، اموری وهمی و اعتباری است. البته نه به این معنا که هیچ پشتوانه حقیقی ندارد؛ زیرا امور اعتباری دارای ریشه حقیقی و تکوینی است (طباطبایی، ۱۴۲۳ق: ص ۱۰). به عبارت دیگر در آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، برقرای امنیت در بیت‌الله الحرام حکمی از احکام شرعی است. بنابراین امری اعتباری و قراردادی محسوب می‌شود؛ ولی خالی از حقیقت نیست. زبان دین از حیث بیان چیزی مانند بیانات ما است؛ لذا گاهی به صورت اموری اعتباری ظاهر می‌شود، اما خدای سبحان در همه این بیانات حقایق و واقعیاتی را بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۸، ص ۱۹۴). بنابراین از منظر علامه طباطبایی، هر چند آیه فوق در دایره احکام تشریحی است و از اعتباریات است، اما به واسطه رابطه با منبع حقیقی، دارای شأن شناختی قلمداد می‌شود.

#### ۴. مقایسه آراء اندیش‌مندان مسلمان درباره امنیت در مکه با روایات معصومین علیهم‌السلام

از مجموع آراء متفکرین مسلمان به این نتیجه رسیدیم که زبان دین در آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، بیانگر حکمی از احکام شرعی است و دارای زبانی از جنس اعتبار است؛ اما ماهیت آن به گونه‌ای است که جدای از حقیقت نیست. اگر امنیت حرم آن‌طور که علامه طباطبایی به آن اشاره کرده است، دارای خاصیت تکوینی نیست، پس واقع‌نمایی آیه مبنی بر امنیت ساکنان آن، چه مفهومی را دربردارد؟ این سخن علامه طباطبایی که حرم خاصیت دنیایی در امنیت را به طور عام [۳] شامل نمی‌شود، بر اساس مدارکی است که اثبات می‌کند در صحنه روزگار، این مکان مقدس

درگیر جنگ و خونریزی شده است. البته در روایات هم به این نکته اشاره شده است:

مرحوم مجلسی از کتاب *الاحتجاج* (طبرسی، ۱۳۷۱ش: ج ۳، ص ۳۴۴) روایتی نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام از ابوحنیفه سوال می‌کند: «مرا خبر ده از قول حضرت عزوجل: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانْ آمِنًا، آن کدام موضع است که بعد از دخول آن، محل آن کس مأمون و مصون در پناه عزوجل است؟ ابوحنیفه گفت: آن موضع بیت‌الله الحرام است. در آن هنگام، امام روی به حاضران در جلسه کردند و فرمودند: شما را به حضرت خدای تبارک و تعالی قسم، آیا می‌دانید که عبدالله بن زبیر و سعید بن جبیر هر دو در هنگام ترس و خوف، داخل حرم حضرت رحیم الزئوف گشتند، با این وجود، مأمون از قتل نگشتند؟ اصحاب پاسخ دادند: اللهم نعم، بار خدایا چنین است که جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمود و در آن خلاف نیست. امام علیه السلام گفت: و یحک یا أباحنیفه، بدرستی که خدای تعالی آن چه گوید حق است و اصلاً در آن خلاف ظاهر نگردد. ابوحنیفه چون فهمید که از پاسخ سوال عاجز است، گفت: مرا علم به کتاب حضرت ذوالجلال نیست و من مرد صاحب قیاسم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۲۸۷). مرحوم مجلسی در توضیح روایت می‌گوید: هدف از آوردن این مطلب بیان جهل و عجز ابوحنیفه در استنباط احکام شرعی بدون رجوع به امام حق است (همان). مرحوم مجلسی همین روایت را به طور مفصل‌تری از *علل الشرایع* نقل می‌کند و در ذیل آن شرح می‌دهد که منظور از قول خداوند در این آیه باید تأویل شود و مراد از دخول، کنایه از داخل شدن در بیعت اهل بیت و متابعت از آن‌ها است که در بطن آیه قرار دارد و هنگامی که حرمت خانه با حرمت آن‌ها همراه شود، امنیت حاصل می‌شود (همان: ص ۲۹۵). مرحوم مجلسی قسمتی از روایت را از کتاب مناقب ابن شهر آشوب هم نقل می‌کند و ذیل آن به توصیف امنیت می‌پردازد و شرح می‌دهد که با اهل بیت علیهم السلام بودن یعنی امنیت از فتنه‌های جهالت و ضلالت و هنگامی که مردم به این نعمت الهی کفر بورزند، خداوند این نعمت را با غیبت و مخفی کردن اهل بیت علیهم السلام از انسان دریغ می‌کند و چنین می‌شود که امر بر انسان مشتبه می‌گردد و دچار شبهه و قیاس و تعدد آراء می‌شوند و اگر در این شرایط به اخبار ائمه اطهار علیهم السلام تمسک نجویند، سیل شک و شبهه را از امامان بدعت و پایه‌گذاران ضلالت فرا گرفته و مصداق آیه ۱۶ سوره سباء قرار می‌گیرند که خداوند می‌فرماید: «فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلِ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّنْ بَسْدٍ قَلِيلٍ؛ (از شکر خدا و طاعت حق) اعراض کردند، ما هم سلیلی ویرانگر بر ایشان فرستادیم و به جای آن دو نوع باغ پر نعمت، دو باغ دیگرشان دادیم که بار درختانش تلخ، ترش، بد طعم و شوره‌گز و اندکی درخت سدر بود» (همان: ج ۲۴، ص ۲۳۷).

در روایت مذکور سؤال امام صادق علیه السلام درباره خاصیت تکوینی مکه، در برقراری امنیت است که

با پاسخ اشتباه ابوحنیفه و احتجاج امام ثابت می‌شود، منظور از امنیت این مکان مقدس، امری دنیایی نیست؛ بلکه باید معنای دیگری داشته باشد. این‌که علامه طباطبایی معتقد است احکام تشریحی و اعتباری با حقایق عالم در ارتباط هستند و آیه نیز صراحتاً بر امنیت اشاره می‌کند، پس آیه فرای تأکید بر حکم لزوم برقراری امنیت به طور تشریحی، باید حاکی از امری واقعی در عالم خارج باشد. یعنی نه تنها خادمین حرم شریف ملزم به برقراری امنیت در حرم الاهی هستند، بقیه افراد نیز باید به این قانون الاهی احترام گذارند؛ اما جدای از این حکم مهم شرعی باید به دنبال حقیقتی تکوینی نیز پیرامون این آیه باشیم.

برای این‌که با احکام تشریحی پیرامون امنیت در حرم الاهی نیز آشنا شویم به برخی از روایات اشاره خواهیم کرد و بعد از این مرحله، با توجه به روایات دیگر، واقع‌نمایی آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، را از جهت دیگری مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱-۴. روایات مربوط به حکم تشریحی امنیت در حرم الاهی: مثنی گوید: از امام صادق علیه السلام

درباره سخن خدای عزوجل «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» سؤال کردم. فرمود: «اگر دزد در غیر حرم دزدی کرد و سپس وارد حرم شد، برای هیچ‌کس سزاوار نیست که او را دستگیر کند؛ ولیکن از بازار منع می‌شود و با او معامله نمی‌شود و با او سخن گفته نمی‌شود؛ چون هنگامی که این برخورد با او انجام شود به زودی از حرم بیرون می‌رود و دستگیر می‌شود و هنگامی که دستگیر شد حد بر او جاری می‌شود و اگر آن عمل را در حرم انجام داد، در حرم دستگیر می‌شود و حد بر او جاری می‌گردد؛ زیرا کسی که در حرم مرتکب جنایت شود حد در حرم بر او جاری می‌گردد» [۴] (عیاشی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۱۸۹).

بر اساس روایت فوق، به لحاظ تشریحی اگر افراد به حرم پناهنده شوند، در امان هستند. حتی اگر خلاف‌کار باشند، نمی‌توان متعرض آن‌ها شد؛ مگر این‌که عمل زشتی در داخل حرم مرتکب شوند که در این صورت باید مجازات شوند. برقراری امنیت در حرم به حدی مهم است که حتی نباید کسی به لحاظ روحی نیز آسیب ببیند.

سماعه بن مهران می‌گوید که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «من از مردی طلبکارم و مدتی است که او را ندیده‌ام. امسال او را دیدم که دور خانه کعبه طواف می‌کند. آیا می‌توانم حق خود را از او مطالبه کنم؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «نه، حتی بر او سلام مکن و او را به هراس می‌فکن. صبر کن تا موقعی که از حرم خارج شود» [۵] (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۴، ص ۲۴۱).

مسئله برقراری امنیت در حرم از حساسیت خاصی برخوردار است. نه تنها انسان‌ها نباید به لحاظ جانی یا روحی مورد آسیب واقع شوند، بلکه حیوانات نیز در این مکان مقدس از امنیت

ویژه‌ای برخوردار هستند و کسی اجازه ندارد متعرض آن‌ها شود.

محمد بن مسلم گوید: از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام درباره آهویی که داخل حرم شده پرسیدم. فرمود: «لَا يُؤْخَذُ وَلَا يُمَسُّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا؛ گرفته نمی‌شود و آزار و اذیت نمی‌شود؛ چون خداوند می‌فرماید: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (صدوق، ۱۳۸۷ش: ج ۳، ص ۱۲۶) حکم تشریحی برقراری امنیت در حرم توسط تمام مفسران پذیرفته شده است. درباره خاصیت تکوینی امنیت، همان‌طور که اشاره شد، برخی مفسران عقیده دارند، بعید به نظر نمی‌رسد که حرم این خاصیت تکوینی دنیایی در موارد جزئی و خاصیت تکوینی اخروی عام را داشته باشد. در حالی‌که علامه هرچند معتقد است آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» به دو غرض انشایی و اخباری آمده است، اما به صراحت خبر از خاصیت تکوینی حرم را نمی‌پذیرد و خبری بودن آیه را به اخبار از حرمت بیت در جوامع پیشین تفسیر می‌کند. با این وجود، ایشان در لابه‌لای مطالب مربوط به اعتباری بودن احکام تشریحی، بر واقع‌نمایی آیات تأکید دارد. هرچند ممکن است منظور علامه طباطبایی از اخبار و واقع‌نمایی این آیه همان اشاره به عملکرد اقوام پیشین باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۵۴۹)، اما با بررسی روایات دیگر پیرامون همین آیه، واقع‌نمایی و شأن شناختی عبارت «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» به نحو دیگری به مرحله ظهور می‌رسد. از منظر علامه طباطبایی، قرآن ظاهر و باطن دارد. گاهی ظاهر مراد نیست، بلکه معانی دیگری مورد نظر است (طباطبایی، ۱۳۸۷ش: ص ۶۰). در واقع مرتبه‌ای بالاتر از تفسیر هم وجود دارد که از جنس لفظ و معنا نیست و به منزله روح از جسد است که فهم عادی و نفوس غیر مطهره به آن دسترسی ندارد و آن تأویل است. مطهرین [۶] عده‌ای از بندگان خدا هستند که با کلامی که در کتاب مکنون و لوح محفوظ است تماس دارند. مطهرین کسانی هستند که خداوند طهارت را بر دل‌های آن‌ها وارد کرده است [۷]. در نتیجه همین طهارت باعث می‌شود که قلب معارف حقیقی را درک کنند و در آن ثبات داشته باشند و تحت تأثیر تمایلات ناروا و شبهات قرار نگیرند و این همان رسوخ در علم است. علامه طباطبایی، مطهرین را همان راسخین در علم معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۳، ص ۸۵). این رسوخ در علم باعث می‌شود تا این افراد به تأویل نیز آگاهی یابند. بنابراین علامه نیز این حقیقت را رد نمی‌کند که با استفاده از بیانات مطهرین که همان معصومین علیهم السلام هستند، می‌توان از ابعاد دیگری از آیات باخبر شد. علامه طباطبایی تنها با پذیرش حکم تشریحی بودن امنیت حرم الهی، خاصیت تکوینی دنیایی این مکان مقدس را با استناد به وقایع تاریخی رد کرد. اما به نظر می‌رسد ایشان با توجه به قبول مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام در ایضاح آیات مشکل و پذیرش عمومی قول ایشان، خاصیت تکوینی اخروی حرم الهی را بپذیرد و شاهد آن، مطالبی

است که درباره توانایی این افراد در تأویل آیات از زبان علامه طباطبایی بیان شد.  
**۲-۴. روایات مربوط به واقع‌نمایی آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» در عالم تکوین:** در این قسمت به بررسی روایاتی می‌پردازیم که ما را از بطن آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» آگاه می‌کنند که در ضمن آن، واقع‌نمایی این آیه نیز اثبات می‌شود.

وقتی امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از ابوحنیفه درباره دو آیه «سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيُّهَا آمِنِينَ» (سبا/۱۸) و «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران/۹۷) سؤال می‌کند و ابوحنیفه با اشاره به امنیت ظاهری این مکان مقدس، پاسخ اشتباه می‌دهد، ابوبکر حضرمی پاسخ صحیح را جویا می‌شود. امام در پاسخ می‌فرماید: «ای ابابکر! شب‌ها و روزها در این آبادی‌ها با ایمنی (کامل) سفر کنید! یعنی همراه قائم عَلَيْهِ السَّلَام ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام با ایمنی سفر کنید و اما سخن خدا وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا؛ پس هرکس با او بیعت کند و همراه او داخل خانه خدا شود و دست او را بفشارد و در زمزه یاران او درآید، در امان است» [۸] (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۶۸).

با این بیان امام مشخص می‌شود که تکیه بر معنای ظاهری آیه اشتباه است؛ بلکه برای کسب معرفت صحیح، باید به معنای باطنی آیه نیز توجه کرد. البته برخی از مفسرین ضمن اشاره به حکم شرعی و امنیت دنیایی حرم، به امنیت اخروی هم اشاره کرده‌اند [۹].

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره این آیه می‌فرماید: «مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ الْبَيْتُ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَعَرَفْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَقَّ مَعْرِفَتِنَا كَانَ آمِنًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ کسی که این خانه را قصد کند، درحالی‌که می‌داند این خانه‌ای است که خدای عزوجل به آن امر کرده است و ما اهل بیت را آن‌گونه که حق شناخت ماست، بشناسد، در دنیا و آخرت در امان است» (طوسی، ۱۳۶۴ش: ج ۵، ص ۴۵۲). به عبارت دیگر از توفیقات حضور در حرم این است که حاجی اگر با اعتقادات صحیح و کامل در این مکان مقدس قدم گذارد، در آخرت از عذاب الهی در امان خواهد بود و این امر نمونه‌ای از مصادیق حقیقی آیه مورد بحث است. هم‌چنین در روایت دیگری علی بن عبدالعزیز گوید به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم: «جانم به فدایت! سخن خداوند متعال: «آيَاتُ بَيِّنَاتٍ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»؛ درحالی‌که گاهی مرجئه و قدری و حروری و زندیق که به خدا ایمان ندارند، در آن داخل می‌شوند. آیا این‌ها هم دارای کرامت ورود در خانه خدا هستند و در امان خواهند بود؟» فرمود: «نه! این داخل شدن در خانه خدا کرامت برای آن‌ها نیست». عرض کردم: «فدایتان شوم! پس چه کسی دارای این کرامت است؟» فرمود: «کسی که داخل خانه خدا شود و هم چنان‌که آن را می‌شناسد، حق ما را بشناسد، از گناهانش خارج شود و غم و اندوه دنیا و آخرت از او برطرف شود» [۱۰] (عیاشی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۱۸۹).

در این روایت و برخی روایات دیگر، تنها جنبه اخروی در نظر گرفته نشده است. به طور کلی انسانی که حق معصومین علیهم السلام را درک کند، از درجه‌ای از شعور برخوردار است که به راحتی گناه نمی‌کند و همین امر باعث شادی روح می‌شود. از جنبه دیگری هم بُعد مادی را می‌توان در نظر گرفت، و آن یک فرض است که اگر همه ولایت معصومین علیهم السلام بپذیرند، در این صورت، مقام شامخ امامت از جهت تکوین و تشریح، عامل وحدت جامعه و مایه انسجام عینی آن خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ص ۳۴۳) و همین امر نشاط‌آور است.

از مجموع روایات مطرح شده، واقعیت دیگری در بطن آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» نهفته است که نه تنها این چند روایت، بلکه روایات دیگری نیز به آن اشاره دارد. در حقیقت آیه، بیانگر واقعیتی است که امنیت معنوی، اخروی و دائمی افرادی را که وارد حرم می‌شوند را شامل می‌شود. این امنیت خارج از مرزهای مادی این جهان قرار دارد و بسیار باارزش‌تر از امنیتی است که در ظاهر برخی به دنبال آن هستند. بنابراین این قسمت از آیه، نه تنها بر حکمی شرعی در لزوم برقراری امنیت در آن مکان مقدس دلالت دارد، بلکه بالاترین و ارزشمندترین امنیتی را که می‌توان تصور کرد، برای واجدین شرایط آن مهیا می‌کند. لذا به همین دلیل است که این امنیت از نشانه‌های روشن خداوند متعال محسوب می‌شود. بنابراین تمام معارفی که با توجه به روایات مورد بررسی قرار گرفت با مطالبی که علامه طباطبایی درباره معناداری و واقع‌نمایی آیه مورد نظر بیان کرده بود، مطابقت دارد. در واقع علامه طباطبایی در هیچ مورد، امنیت اخروی حرم را زد نکرده است. از این رو عبارت «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، از هر جهت دارای شأن شناختی است. هم چنین از خداوند حکیم به دور است که در قرآن مجید به مسئله‌ای به این مهمی اشاره کند و آن را مطابق با واقعیات عالم قرار ندهد. بنابراین حتی نمی‌توان تصور کرد که خداوند حکیم بخواهد با زبانی ناشناختی مردم را به فریضه‌ای دعوت کند و ابزار آن را که همان وحی است به گونه‌ای به کار گیرد که مطابق با واقع نباشد؛ لذا این فرض که ممکن است زبان قرآن در عبارت «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» به صورت ناشناختی و فقط برای تشویق و ترغیب احساسات بیان شده باشد، به طوری که حقیقتی آن را پوشش ندهد، کاملاً نادرست است.

##### ۵. تفاوت اراده الهی در تکوین و تشریح

علت این که گاهی مشاهده می‌شود امنیت حرم دچار مخاطره می‌گردد، به دلیل تفاوت اراده الهی در تکوین و تشریح است. عقل به طور بدیهی می‌پذیرد که بین پدیده‌های طبیعی مانند طلوع و غروب خورشید با حج و نماز، تفاوت وجود دارد؛ لذا نمی‌توان اراده خداوند را در ظهور پدیده‌های تکوینی و تشریحی یکسان تلقی کرد. هر چند ربوبیت در همه ابعاد تکوین و تشریح از آن

خداست (جوادی آملی، ۱۳۸۳ ش: ص ۳۴۸). اما سنت خداوند بر این تعلق گرفته است که تحقق امور تشریحی، مبتنی بر اختیار و اراده انسان باشد. از این رو، اگر امنیت ظاهری حرم تأمین نگردد، ناشی از تخطی انسان در انجام احکام شرعی است. بنابراین برقراری امنیت دنیایی حرم، منوط به اختیار انسان در انجام حکم شرعی است. مادامی که انسان حرمت حرم را حفظ کند، به احکام شرعی و وظیفه خود عمل کرده است و هنگامی که حرمت آن را نادیده بگیرد، حکم شرعی و الهی را زیر پا گذاشته است و مستحق عذاب الهی است (وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ (نساء/۱۴)). اما بحث امنیت اخروی با توجه به روایات معصومین علیهم‌السلام معنای دیگری پیدا می‌کند.

معنای باطنی آیه این است که داخل شدن در حرم به شرط پذیرش ولایت مطلق الهی و خلفای الهی، عامل امنیت از عذاب اخروی است. از آن جایی که علامه اعتباریات را کاملاً مجزا از حقیقت نمی‌داند و آن را معنادار و معرفت بخش تلقی می‌کند، مطابقت آیه مورد نظر با حقایق عینی، زمانی دریافته می‌شود که به بطن آن نیز توجه شود. علامه طباطبایی امنیت دنیایی حرم را از آن جهت که منوط به اراده انسان است، رد می‌کند؛ اما تأکید ایشان بر این اصل استوار است که اعتباریات که احکام فقهی را هم شامل می‌شوند، ریشه در حقایق عالم دارند. بنابراین اگر به دنبال کشف حقیقت و واقع‌نمایی آیه مورد نظر باشیم، باید توجه خود را به باطن آیه معطوف کنیم. علامه معتقد است، معصومین علیهم‌السلام به باطن آیات دسترسی دارند، بنابراین با مراجعه به روایات معصومین علیهم‌السلام واقع‌نمایی آیه ظاهر می‌شود. منظور از امنیت حرم به عنوان یکی از آیات روشن خداوند این است که تنها افرادی که ولایت خدا و معصومین علیهم‌السلام را بپذیرند و وارد حرم شوند، به لحاظ اخروی ایمن هستند و این مسئله برای آینده انسان بسیار مهم است؛ زیرا دنیای حقیقی انسان عالم ماده نیست و اشاره به مادیات به عنوان آیات الهی نمی‌تواند دقیق باشد. هرچند منعی ندارد که خداوند اراده کند گاهی آن را هم پوشش دهد؛ مانند حفظ کعبه از حمله سپاه ابرهه. در کل، امنیت ناشی از پذیرش ولایت حق، یکی از نشانه‌های روشن خداوند است که در آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» به آن اشاره شده است. بنابراین در میان مسلمانان اگر افرادی خود را به زحمت اندازند و برای انجام فریضه حج به مکه آیند و در حالی که وارد بیت‌الله الحرام می‌شوند، پذیرش ولایت خلفای الهی را در قلب نداشته باشند، خود را از این نعمت امنیت اخروی محروم کرده‌اند. بدون در نظر گرفتن امام معصوم علیه‌السلام، حرمتی برای حرم و مواقف آن نیست. از این رو، زائری که امام علیه‌السلام را نمی‌شناسد و رهبری توده مردم را از حج و زیارت و دیگر عبادات جدا می‌داند و آن را امری اختیاری تلقی می‌کند و احترامی برای هدایت خلق خدا و تدبیر امور آن‌ها قائل نیست،



در واقع انسان را نشناخته و خود نیز به حریم انسانیت قدم نگذاشته است. با توجه به همین نکته است که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر کس امام زمان خویش را نشناسد مرگ او، مرگ جاهلیت است» [۱۱]؛ چون «مرگ هر انسان همانند زندگی اوست» [۱۲]. مسلماً این افراد حج عالمانه ندارند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش - ب: ص ۶۰).

### جمع بندی و نتیجه گیری

در پژوهش پیرامون شناختی بودن یا نبودن آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» از طریق بررسی آراء متفکران مسلمان و هم چنین با تأکید بر آراء علامه طباطبایی و مقایسه آن با روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام، نتایج زیر حاصل شد:

۱. آیه بر امنیتِ حرم در شهر مکه معظمه دلالت دارد و این امنیت از نشانه های روشن خداوند است.

۲. با توجه به آراء علامه طباطبایی، اگر امنیت در حرم یک حکم تشریعی و از اعتباریات است و اعتباریات هم ریشه در حقیقت دارند؛ می توان استنباط کرد، آیه با این خصوصیت که بیانگر یکی از آیات روشن خداست باید اشاره به یک حقیقت ماورایی داشته باشد.

۳. مفسرین سعی کردند هر کدام به گونه ای به تفسیر آیه بپردازند که با معنای ظاهری آیه سازگار باشد؛ در حالی که برخی تفاسیر با واقعیت های تاریخی فاصله داشت.

۴. نشانه های روشن خداوند چیزی است که دلالت بر وجود خداوند یا آثار الهیه دارند؛ لذا این نشانه ها نمی توانند کذب باشند. بنابراین امنیت در حرم باید مسئله ای صادق و خطاناپذیر باشد. این در حالی است که بارها امنیت حرم و حجاج تهدید شده است و این مطلب با واقع نمایی آیه مهمی که معرف آیات البینات است تنافی دارد؛ بنابراین، می توان بدون تغییر در معنای الفاظ، برای فهم آیه به باطن آن رجوع کرد.

۵. آیه مورد نظر دارای ظاهر و باطن است. ظاهر آیه حاوی حکمی تشریعی و از اعتباریات است و باطن آن نیز وعده و بشارتی از سوی خداوند است که در عالم خارج محقق خواهد شد؛ زیرا خداوند خلف وعده نمی کند.

۶. طبق روایات، معنای باطنی آیه این است که داخل شدن در حرم به شرط پذیرش ولایت مطلق الهی و خلفای الهی عامل امنیت از عذاب اخروی است.

۷. امنیت تکوینی اخروی حرم از نشانه های روشن خداوند است، نه امنیت دنیایی حرم که بارها حرمت آن شکسته شده است. به نظر می رسد علامه طباطبایی در تفسیر آیه دقیق عمل

- کرده است و به امنیت دنیایی حرم به عنوان «آیات بینات» عنایت خاصی ندارد.
۸. برقراری امنیت دنیایی حرم، حکمی تشریحی است و منوط به اختیار و اراده انسان است؛ لذا این امنیت ممکن است با تخطی انسان از انجام وظیفه، ظاهراً محقق نشود. در حالی که امنیت اخروی، حکمی تکوینی است و چون متصل به اراده الاهی است، تخلف ناپذیر است.
۹. از منظر علامه طباطبایی آیه انشاء حکمی شرعی است و به صورت اخباری هم حاکی از احترام اقوام گذشته به این حکم الاهی است. با معیارهای ایشان، آیه در هر دو صورت معنادار و معرفت‌بخش محسوب می‌شود. اما علامه وجود امنیت دنیایی حرم را رد می‌کند که به نظر می‌رسد، این نظر علامه با معنای ظاهری آیه منافات دارد. یعنی باید امنیتی باشد که از نشانه‌های روشن خدا است، ولی آن امنیت کجاست؟ از آن جایی که روش علامه در تفسیر، قرآن به قرآن است و با توجه به همین سیره عملی ایشان، باید به کل نظرات قرآنی علامه توجه داشت، علامه معنای باطنی قرآن و نقش ائمه علیهم‌السلام در ارائه معانی باطنی را پذیرفته است و بر آن تأکید دارد. با نگاه جامع به کل نظرات علامه طباطبایی، شبکه ارتباطی بین آراء علامه برقرار می‌شود. پذیرش خاصیت تکوینی حرم در برقراری امنیت معنوی و اخروی ساکنان آن، نه تنها تضادی با آراء علامه طباطبایی ندارد بلکه با آراء دیگر ایشان هم سازگار است. از این رو معنای باطنی آیه حاکی از امنیت معنوی اخروی حرم است. در نتیجه، آیه مورد نظر معنادار، واقع‌نما و معرفت‌بخش است و از هر جهت دارای شأن شناختی در زبان دین است.
۱۰. با مراجعه به روایات معصومین علیهم‌السلام مشخص شد، منظور از امنیت حرم هم حکمی تشریحی است و هم تکوینی؛ اما حکم تکوینی امنیت حرم، امنیت دنیایی نیست. طبق روایات، حرم دارای امنیت تکوینی از نوع اخروی است که با پذیرش «ولایت» و داخل شدن در حرم محقق می‌شود.

## پی نوشت‌ها

۱. در سال ۶۴ هجری قمری به دنبال شورش عبدالله بن زبیر، سپاهیان شام به مکه حمله کردند و با نصب منجنیق، شهر را به آتش کشیدند. در این درگیری پرده کعبه آتش گرفت و کعبه نیز ویران شد. در سال ۷۳ قمری، حجاج بن یوسف ثقفی به مکه یورش برد که در همین ماجرا عبدالله بن زبیر نیز به قتل رسید (جعفریان، ۱۳۸۶ش: صص ۶۵-۶۴). در منابع تاریخی آمده است که مکه برای ۲۸ سال متوالی (۶۱۹-۶۴۷) در میان جنگ و گریز ایوبیان مصر و یمن قرار داشت. شهر در طی این مدت هشت بار دست به دست شد. از این رو، مکه دست خوش مصایب و بدبختی‌های بی‌شماری گردید. هم‌چنین گرانی و کمبود ارزاق، در حد گسترده به چشم می‌خورد (جعفریان، ۱۳۹۱ش: ص ۲۹۶). هم‌چنین در سال ۱۰۳۹ قمری، سیل عظیمی داخل مسجد الحرام شد و ۴۴۲ کشته بر جای گذاشت. در سال ۱۳۸۴ قمری هم سیلی ویران‌گر در مکه جاری شد که تصاویر آن موجود است. فهرست سیل‌هایی که تا سال ۱۳۵۰ قمری، شهر مکه را مورد آسیب قرار داده است به ۸۵ می‌رسد (جعفریان، ۱۳۸۶ش: ص ۷۰).
۲. البته باید متذکر شد که این هدف متعالی محقق خواهد شد، تنها به شرط این‌که مسلمین با ایجاد وحدت و همدلی و برائت از مشرکان با رعایت برنامه‌های الهی، مأمن حقیقی خویش را بیابند و تنها به حضور ظاهری در این مکان‌های مقدس اکتفا نکنند (طاهری، ۱۳۹۱ش: صص ۳۷-۳۸).
۳. به‌طور خاص در داستان حمله پادشاه حبشه به مکه، خداوند به‌طور تکوینی از حرم محافظت می‌کند. وقتی دشمنان، شتران عبدالمطلب را مصادره می‌کنند و او برای بازگرفتن شترانش به پادشاه مراجعه می‌کند، پادشاه از نوع برخورد عبدالمطلب متعجب می‌شود و می‌گوید: «من برای خراب کردن خانه‌ای که عبادتش می‌کنید آمده‌ام، و تو رها کردن شترانت را از من می‌خواهی؟» عبدالمطلب پاسخ داد: «من صاحب شتر هستم و خانه، صاحبی دارد که آن را نگه می‌دارد». در هنگام حمله سپاه حبشه، حرم به‌طور معجزه‌آسایی در امان ماند و دشمنان نیز نابود شدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۶۵).
۴. عَنِ الْمُتَنَّى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا قَالَ إِذَا أَخَذَتِ السَّارِقُ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ ثُمَّ دَخَلَ الْحَرَمَ لَمْ يَنْبَغْ لِأَحَدٍ أَنْ يَأْخُذَهُ وَ لَكِنْ يُمْنَعُ مِنَ الشُّوقِ وَ لَا يَسَاعُ وَ لَا يَكَلِّمُ فَإِنَّهُ إِذَا فُعِلَ ذَلِكَ بِهِ أَوْشَكَ أَنْ يَخْرُجَ فَيُؤْخَذَ وَإِذَا أَخَذَ أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحُدُّ فَإِنْ أَخَذَتْ فِي الْحَرَمِ أُخِذَ وَ أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحُدُّ فِي الْحَرَمِ لِأَنَّهُ مَنْ جَنَى فِي الْحَرَمِ أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحُدُّ فِي الْحَرَمِ.
۵. عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لِي عَلَيْهِ مَالٌ فَغَابَ عَنِّي زَمَانًا فَرَأَيْتُهُ يُطَوِّفُ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فَأَتَقَطَّاهُ مَالِي قَالَ لَا لَا تُسَلِّمَ عَلَيْهِ وَ لَا تُرْوَعُهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ.

۶. إِنَّهُ لَفَرَزَانٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه/ ۷۹).
۷. إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب/ ۳۳).
۸. در واقع با توجه به روایات دیگر اگر کسی قبل از امامت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده و ولایت یکی از ائمه یازده‌گانه را درک کرده و پذیرفته باشد و سپس وارد حرم و مسجدالحرام شود در امان از عذاب اخروی است.
۹. صاحب مجمع البیان با اشاره به تمام وجوه آیه بعد از پذیرش حکم تشریحی در آیه و در نظر گرفتن برخی احتمالات پیرامون امنیت ظاهری بیت‌الله‌الحرام به امنیت باطنی و معنوی آن هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «هر که با معرفت به جمیع واجبات در آخرت، داخل آن شود، از عذاب ابدی در امان خواهد بود» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۲، ص ۷۹۹).
۱۰. عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُ اللَّهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامٌ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَقَدْ يَدْخُلُهُ الْمَرْجِيُّ وَالْقَدَرِيُّ وَالْحَرُورِيُّ وَالزُّنْدِيقِيُّ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ قَالَ لَا وَلَا كِرَامَهُ قُلْتُ فَمَهْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ مَنْ دَخَلَهُ وَهُوَ عَارِفٌ كَمَا هُوَ عَارِفٌ لَهُ خَرَجَ مِنْ دُنُوبِهِ وَكُفَيْهِ هَمَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
۱۱. علمای اهل سنت هم به شکل‌های متعدد به این فرموده پیامبر استناد کرده‌اند که به دو نمونه اشاره می‌شود: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۲۸، ص ۸۸) و «من مات ولا طاعة عليه مات ميتة جاهلية» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ص ۴۵۷).
۱۲. كَمَا تَعِيشُونَ تَمُوتُونَ وَكَمَا تَمُوتُونَ تُبْعَثُونَ وَكَمَا تُبْعَثُونَ تُحْشَرُونَ (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ص ۷۲).

## فهرست منابع

۱. **قرآن کریم.**
۲. ابراهیمی دینانی، غلام حسین، (۱۳۸۹ش)، **فلسفه و ساحت سخن**، هرمس، تهران.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، **عوالی اللغالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه**، سیدالشهداء، قم.
۴. ابن ابی شیبّه، عبدالله بن محمد بن ابراهیم، (۱۴۰۹ق)، **المصنّف فی الأحادیث والآثار**، مکتبه الرشد، ریاض.
۵. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، (۱۴۲۱ق)، **مسند احمد بن حنبل**، موسسه الرساله، قاهره.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، دار صادر، بیروت.
۷. استیور، دان آر، (۱۳۹۳ش)، **فلسفه زبان دینی**، مترجم: ابو الفضل، ساجدی، نشر ادیان، قم.
۸. اشرفی، امیرضا، (۱۳۹۶ش)، **معناداری و معرفت بخشی زبان قرآن از نگاه علامه طباطبایی**، قرآن شناخت، سال ۱۰، شماره ۱۸، صص ۱۷ تا ۳۴.
۹. جعفریان، رسول، (۱۳۸۶ش)، **آثار اسلامی مکه و مدینه**، مشعر، تهران.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۱ش)، **تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه (۱۳۴۴ق)**، مشعر، تهران.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳ش)، **توحید در قرآن**، تنظیم: حیدرعلی، ایوبی، اسراء، قم.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸ش - الف)، **تسنیم**، اسراء، قم.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸ش - ب)، **جرعه ای از صهبای حج**، تنظیم: حسن، واعظی محمدی، مشعر، تهران.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹ش)، **جامعه در قرآن**، اسراء، قم.
۱۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲)، **دین شناسی**، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۸ش)، **شمس الوحی تبریزی (سیره علمی علامه طباطبایی)**، اسراء، قم.
۱۷. خمینی، سیدروح الله، (۱۳۶۷ش)، **تهذیب الاصول، تقریراً لبحث آیه الله العظمی السید روح الله الموسوی الخمینی**، دارالفکر، قم.
۱۸. خوش منش، ابو الفضل، (۱۳۹۸ش)، **زبان قرآن**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۱۹. دنووان، پیتر و نویسنندگان، (۱۳۸۳ش)، **جستارهایی در فلسفه دین**، مترجم: مرتضی، فتحی زاده، آیت عشق، قم.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، دارالعلم و دارالشامیه، دمشق و بیروت.
۲۱. ساجدی، ابو الفضل، (۱۳۸۳ش)، **زبان دین و قرآن**، انتشارات موسسه امام خمینی رحمه الله، قم.
۲۲. سعیدی روشن، محمد باقر، (۱۳۹۱ش)، **زبان قرآن و مسائل آن**، سمت، تهران.
۲۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۶ش)، **واقع گرایی و صدق گزاره های دینی با کدام ساز و کار؟**، قبسات، سال ۲۲، شماره ۸۳، صص ۵ تا ۳۵.

۲۴. شهیدی، شهاب، (۱۳۹۴ش)، *زبان دین از منظر علامه طباطبایی*، جاویدان خرد، سال ۱۲، شماره ۲۸، ص ۶۱ تا ۸۴.
۲۵. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم.
۲۶. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، (۱۳۸۷ش)، *من لایحضره الفقیه*، مترجم: محمد جواد، غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۷. ضیاء آبادی، سید محمد، (۱۳۸۶ش)، *حج برنامه تکامل*، بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام، تهران.
۲۸. طاهری، سید محمود، (۱۳۹۱ش)، *نسیم معرفت حج*، مشعر، تهران.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۲ش)، *اعجاز قرآن*، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران.
۳۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۴ش)، *اصول فلسفه و رئالیسم*، صدرا، تهران.
۳۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۰ش)، *خلاصه تعالیم اسلامی*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
۳۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم: محمد باقر، موسوی همدانی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
۳۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷ش)، *قرآن در اسلام*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
۳۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸ش)، *انسان از آغاز تا انجام*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
۳۵. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۳ق)، *طریق عرفان (ترجمه رساله الولایه)*، مترجم: صادق، حسن زاده، بخشایش، قم.
۳۶. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، (۱۳۷۱ش)، *الاحتجاج*، مترجم: نظام الدین احمد، غفاری مازندرانی، نشر مرتضوی، تهران.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، تهران.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۴ش)، *تهذیب الاحکام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۹. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران.
۴۰. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالتقلین*، انتشارات اسماعیلیان، قم.
۴۱. علی زمانی، امیر عباس، (۱۳۹۵ش)، *سخن گفتن از خدا*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۴۲. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۴۲۱ق)، *تفسیر عیاشی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۳. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأنمه الأطهار علیهم السلام*، موسسه الوفاء، بیروت.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۷. هیک، جان، (۱۳۹۰ش)، *فلسفه دین*؛ مترجم: بهزاد، سالکی، انتشارات بین المللی الهدی، تهران.